

سریال برای خودتان محبوب تر و دلچسب تر بوده و گاهی دلتنگ ایام تولید آن اثر می شوید؟

«خوش نشین ها». سریال «خوش نشین ها» یکی از شیرین ترین تجربه های من بود. هم تیم خوبی داشت و هم باز خورد مردم نسبت به آن عالی بود. هنوز هم دلم برای روزهای ضبط آن تنگ می شود.

از بین سریال های تلویزیونی مان چه کسانی را بر جسته تر می دانید؟

سیروس مقدم، سعید آقاخانی، رضا عطاران و مهران مدیری. به نظر من همچنان جزو ستون های خلاق این حوزه هستند که بلدند مردم را بخنداند و همزمان به فکر ببرند. کارشان را بلدند و تاثیر گذارند و مهم تر از همه این که با مردم ارتباط دارند.

به عنوان یکی از هنرمندای محبوب مردمی چه پیشنهادی برای احیای سریال های تلویزیونی دارید؟

سریال های مان کارشان را بلدند، کارشان را انجام می دهند. مدیران باید از آن ها استفاده کنند. تلویزیون باید از این افراد با تجربه بهره بگیرد. آن ها که کارشان را بلدند نهایتا در پلتفرم فعالیت می کنند. وقتی به پلتفرم می روند یعنی چه؟ یعنی این که هم بودجه و هم کسج سلیقه باعث می شود که به آن سمت بروند و گر نه اگر تلویزیون همان آزادی و همان بودجه پلتفرم را بدهد خب تلویزیون هم می شود همان پلتفرم با سریال های جذابی که نسبت به سریال های تلویزیونی ده برابر بیننده دارد. به طور کلی من معتقدم که باید نگاهمان را شخم بزنیم. نگاهمان، ایدئولوژی مان، مدیریت هایمان، تلویزیون مان، فوتبال مان، سینمای مان، تئاتر مان و ... باید شخم بخورند. تغییر چیز بسیار جذابی است.

شما تجربه کارگردانی چند مجموعه تلویزیونی را هم داشته اید که آخرین آن ها مربوط به سال ۱۳۹۴ است و سریال پر مخاطبی هم بوده، قصد ساخت ادامه این سریال و به طور کلی ادامه فعالیت در این حیطه را ندارید؟

بله من در سال نود و چهار یک سریال پنجاه و هفت قسمتی برای شبکه نسیم ساختم به نام «دست زن جیز» که اتفاقا باز خورد بسیار خوبی گرفت و پر بیننده بود. یک حرکت نو بود که خودم هم دوست داشتم اما ادامه ساخت آن به دلیل نبود بودجه اتفاق نیفتاد. البته چند طرح بسیار قوی دارم که احساس می کنم می توانند بیننده را جذب کنند، اگر بودجه شان فراهم شود.

امیدوارم بودجه ایین طرح ها که قطعا جذاب خواهند بود، فراهم شود و مادر کنار نقش آفرینی های شیرین و دوست داشتنی تان، باز هم شاهد کارگردانی شما باشیم.

امیدوارم شرایطی پیش بیاید که تلویزیون از همه استعدادها بهره ببرد و می بیند که در آن صورت از پلتفرم ها جلو خواهد زد.



**محمد کاسبی
نمک خالی است**

**و چه قدر زیبا
در سریال های
«خوش رکاب» و
«خوش نشین ها» بازی
کرد. الان کجاست؟ او
که زنده است، پس چرا
نیست؟ و این همان
سرمایه سوزی است
که ابتدای صحبت مان
عرض کردم**

سرمایه سوزی است که ابتدای صحبت مان عرض کردم.

درواقع شما معتقدید که اگر تلویزیون از هنرمندان سابق استفاده کند، به آن دوران پر بیننده و موفقیت خود برمی گردد؟

بله، نه تنها پر بیننده خواهد بود بلکه هزینه هایش هم در می آید. اگر دستمزد یا به قولی بودجه برخی برنامه ها بالاست، از آن طرف درآمدی که از تبلیغات وسط آن سریال یا برنامه در می آید چندین برابر دستمزد و بودجه ساخت خود برنامه است. این مشکل، مشکل سلیقه و نگاه است. درواقع ما اختلاف سلیقه و نگاه داریم که از این افراد استفاده نمی شود و گر نه همه می دانند که آن بودجه ها و هزینه ها برمی گردد. مثلاً می گویند ما پول نداریم و نمی توانیم مثل عربستان، رونسالدو را بیاوریم. در حالی که کریستین رونالدو در برابرش برای آن باشگاه درآمد می آورد. در مورد هنر هم همین طور است، وقتی یک هنرمند، حرفه ای، توانمند و محبوب است و برنامه اش مخاطب بالایی دارد، طبیعتاً با آن اندازه از بیننده و آگهی و ... هزینه ای که صرف تولید اثرش شده، برمی گردد.

جدا از سرمایه سوزی یا کنار گذاشتن هنرمندان توانمند و حرفه ای سابق، به نظر شما چه عوامل دیگری در ضعف سریال ها دخیل است؟

حتماً عوامل مختلف موثر است و از همه مهمتر فیلمنامه. مانویسندگان قوی نداریم یا اگر هم داریم، کمتر از آن ها استفاده می شود. بدون متن خوب هیچ بازیگری نمی تواند معجزه کند. فیلمنامه، اساس و بنیاد یک سریال خوب است و ما در حال حاضر اصلاً متن خوب نداریم. اول باید این مورد حل شود تا به بقیه کاستی ها و فرصت سوزی ها برسیم.

البته که استفاده نکردن از نویسندگان قوی هم خودش نوع دیگری از سرمایه سوزی است... به نظر شما یک سریال خصوصاً سریال نوروزی چه ویژگی هایی لازم دارد تا بتواند مخاطب را با خود همراه کند؟

مردم با داستان هایی ارتباط برقرار می کنند که از دل خودشان باشد. سریال هایی مثل «خانه به دوش»، «متمهم گریخت» یا «خوش نشین ها» به طبقه متوسط رو به پایین می پرداختند. این قشر بیشترین مخاطب را دارد و درد آن ها، درد مردم است. وقتی سریال وارد طبقه مرفه و سانتی منتال می شود دیگر برای توده مردم جذابیتی ندارد چون آن فضا، واقعیت زندگی روزمره شان نیست. درحقیقت درصد پابینی از جامعه سانتی مانتالیسم هستند و از طبقه خیلی مرفه هستند، درد آن ها خیلی درد مردم نیست. سریال های پر مخاطب امروز تلویزیون که به صورت اپیزود هر سال یا هر چند سال یکبار تکرار می شوند هم حائز این ویژگی ها هستند. به بیان دیگر این قصه است که باید مخاطب را بگیرد و بعد صمیمیت بازگران و کارگردانی و ...

شما در سریال های پر بیننده و محبوب زیادی نقش آفرینی داشته اید، کدام

سریال های نوروزی و رمضان این اندازه کم رنگ شد؟

متأسفانه تلویزیون سرمایه هایی را که خودش خلق کرده بود، فراموش کرده است. درحالی که کج سلیقه ای و استفاده نکردن از چهره هایی که یک زمانی خودشان آن ها را سرمایه گذاری و مطرح کرده اند، به نوعی یک سرمایه سوزی بزرگ است. مدیران امروز به جای این که از این افراد بهره بگیرند آن ها را رها کرده اند. نتیجه اش هم مشخص است، سریال ها افت کرده اند و مردم هنوز هم سریال هایی مثل «دردسرای عظیم» را با علاقه از شبکه «آی فیلم» تماشا می کنند. کلاً آمارها هم می گویند که شبکه آی فیلم که تکرار سریال ها را پخش می کند، با اقبال بسیار مخاطبان همراه است.

درواقع در حال حاضر شبکه «آی فیلم» پر مخاطب ترین شبکه سینماست، این یعنی دلتنگی برای کیفیت!

من هم حرفم همین است، چرا ساختار سریال های آن موقع خوب بوده و الان ضعیف است؟

سوال من هم از شما همین است!

آزادی و بودجه بیشتر. در آن دوران این دو عامل کلیدی وجود داشت، آزادی عمل بیشتر و بودجه کافی. مدیران هوشمندی مثل آقای پورمحمدی که به عقیده من در دوران خودش یکی از نوابغ تلویزیون بود، در تلویزیون حضور داشتند که واقعا درک درستی از ذائقه مخاطب داشتند. وقتی متوجه می شدند که یک سریال با مخاطب ارتباط برقرار کرده، از آن حمایت می کردند و ادامه اش را سفارش می دادند. مثلاً وقتی سریال «دردسرای عظیم» موفق شد، گفتند قسمت دوم آن را هم بسازید، بودجه اش را افزایش می دهیم. یا سریال «خوش نشین ها» را مردم دوست داشته اند، در ادامه سریال «راه در رو» را برای ما بسازید، ما پشتیبانی می کنیم. یا مثلاً «ساعت خوش» را ساختید این همه باز خورد خوب داشته، ادامه بدهید. «سال خوش» را برای ما بسازید. درواقع سرمایه هایی که خودشان بالا می آوردند را، خرج می کردند. از دست نمی دادند، رهایشان نمی کردند. این نگاه نتیجه محور مهم ترین اتفاق و به نظر من رمز موفقیت تلویزیون در آن دوران بود. از طرفی این نکته فقط هنری نیست، اقتصادی هم هست چون وقتی یک برنامه موفق و پر بیننده باشد آگهی های تبلیغاتی می گیرد و خودش هزینه ها را جبران می کند. اما متأسفانه دیگر این تفکر معاش نیست. امروز نه نگاه اقتصادی وجود دارد نه نگاه هنری نه حتی نگاه سیاسی اجتماعی.

از طرفی همان طور که به تماشای سریال های قدیمی در شبکه آی فیلم اشاره کردید، خیلی از مخاطبان هنوز علاقه مند به هنرمندان قدیمی و چهره های با سابقه اند.

دقیقاً. مثلاً اگر خیلی ساده بخواهم حرف بزنم، محمد کاسبی نمک خالی است و چه قدر زیبا در سریال های «خوش رکاب» و «خوش نشین ها» بازی کرد. الان کجاست؟ او که زنده است، پس چرا نیست؟ و این همان